

این مطلب در شماره ۳۸۰ از سال دوم درج شده است.

گزارشی از فعالیتهای انجمن حمایت از حیوانات

# فعالیت جهانی برای حیوانات وطنی

**| طرح نو| اسرارشمیرانی |**حوالی خیابان یوسفآباد، انجمنی است برای حمایت از حقوق حیوانات.انجمنی که آسایشگاهش پر است از گربههایی با یک دست، یک پا یا یک چشم. آدمهای زیادی هستند که هر روز زنگ می‌زنند و به‌انجمن اطلاع می‌دهند که یک گربه زخمی و مجروح گوشه‌خوابان مانده و بعد هم با صدای نگران می‌گویند: لطفاً خودتان را برسانید و گربه بدبخت را نجات دهید!البته محبت ۹۰درصد آدم‌هاتابه همین جاختم می‌شود؛به یک اطلاع‌رسانی ساده و ابراز نگرانی. باقی کارها با خود اعضای انجمن است. این که آدرس را می‌گیرند و حیوان را با خود می‌برند یک‌جای امن، یک‌جای امن برای این که حیوان دوران نقاهتش را سپری کنند و یک سرپرست برایش پیدا شود و او را به خانه ببرد. خیلی از گربه‌ها هستند که کور شده‌اند. بعضی‌هایشان هم رفتند زیر ماشین و الان یک دست یا یک پا ندارند. بعضی آزار و اذیت‌ها هم طور دیگری است. مثلاً این که گربه بیچاره را با اسپری رنگ کردند و فرستادند توی خیابان. برای چه؟برای خنده حتما!

انجمن حمایت از حیوانات که ۱۵ سال از تأسیس آن گذشته است، این روزها هم جور مردمی را می‌کشد که اذیت کردن حیوانات، جزو تفریحشان به حساب می‌آید، هم مسئولیت خیلی از گان‌ها مثل شهرداری را بر عهده گرفته و حیوانات شهری را سرورسامان می‌دهد. گربه‌ها در همان انجمن خیابان یوسف‌آباد تیمار می‌شوند و سگ‌ها و دیگر حیوانات را برای آسایش همسایه‌ها، به دو مرکز دیگر در خارج از شهر منتقل می‌کنند. آتش‌نشانی و کلینیک‌های دامپزشکی هم با انجمن همکاری می‌کنند و خیلی از حیوانات را به این‌جا راجع می‌دهند چرا که انجمن حمایت از حیوانات تنها جایی است که به صورت سازمان‌یافته و رسمی، پیگیر حقوق حیوانات است.

**وظیفه؛ در حد یک تلفن**

بخش‌های درمائی انجمن حمایت از حیوانات کامل است. اتاق جراحی، کلینیک داخلی، رادیولوژی، دندانپزشکی، داروخانه و بخش‌های دیگر. این بخش‌های درمانی علاوه بر این که به حیواناتی که سرپرست دارند خدمات ارایه می‌دهد و باعث در آمدزایی انجمن می‌شود، حیوانات بی سرپرست و خیابانی را درمان می‌کند. رضا جوالجی، قائم‌مقام انجمن است. کسی که سال‌ها تلاش کرده تا حیواناتی که دچار آسیب‌پذگی شده‌اند را نجات دهد. او درباره تجربه این سال‌های انجمن می‌گوید: افراد وقتی حیوانی را می‌بینند که وضع خوبی ندارد و آسیب‌دیده است، با ما تماس می‌گیرند و این مورد را گزارش می‌دهند. اگر از اعضای انجمن باشند که خودشان حیوان را این‌جا می‌آورند تا ما آن را درمان کنیم اما اگر از مردم عادی باشند، معمولاً فقط تماس می‌گیرند و موضوع را به ما اطلاع می‌دهند که مثلاً سگی یا گربه‌ای در محل سکونت ما هست که شرایط خوبی ندارد و به کمک نیاز



دارد. ما از آنها می‌خواهیم اگر امکان دارد این حیوان را به ما برسانند چون ما نه نیرویی داریم که تمام‌وقت در اختیار انجمن باشند نه امکاناتی مثل وسیله حمل‌ونقل اما اکثر این کار را نمی‌کنند و در جواب ما می‌گویند ما فقط وظیفه داشتیم به شما اطلاع بدهیم حتی ما به آنها می‌گوییم حیوان را در یک جعبه بگذارید و به آژانس بدهید که این‌جا بیاورد؛ هزینه آژانس را هم انجمن می‌دهیم اما متأسفانه در بیشتر موارد این را هم قبول نمی‌کنند و به سرعت تماس را قطع می‌کنند. تعدادی از این حیوانات را هم آتش‌نشانی به ما می‌رساند. یعنی حیوانی که در شرایط بدی گرفتار شده است را نجات داده و بعد در اختیار انجمن قرار می‌دهند که تحت‌درمان قرار بگیرد. جالب این‌جاست که معمولاً آتش‌نشانی این حیوانات را یا به سازمان حفاظت از محیط‌زیست یا سازمان دامپزشکی می‌برد که هیچ‌کدام از آنها حیوانات را قبول نمی‌کنند و آدرس این‌جا را می‌دهند.

**سرپرستی برای فروش**

حیوانات بعد از این که مداوا شدند، در انجمن حمایت



از حیوانات نگهداری می‌شوند تا یک سرپرست برای آنها پیدا شود. روند کار هم به این شکل است که اعضای انجمن بعد از این که حیوان از نظر جسمی بهبود پیدا کرد، مشخصات آنها را در سایت یا صفحه فیس‌بوک انجمن قرار می‌دهند و اعلام می‌کنند که این حیوان به یک سرپرست نیاز دارد. افراد از این طریق با آن حیوان آشنائی شوند و اقدام می‌کنند. البته سرپرستی گرفتن به این آسانی‌ها هم نیست. تشکیل پرونده و فرستادن کارشناس به محل سکونت فرد تقاضاکننده و گرفتن تعهد و ضمانت مالی برای این که فرد نتواند حیوان را بفروشد، همگی جزو کارهایی است که انجمن انجام می‌دهد تا سرپرست حیوان را به یک خانواده بدهد. البته کارشناسان هر چند وقت یکبار هم به حیوان سر می‌زنند و تمام کارهایش از جمله واکسن و خدمات درمانی‌اش را بر عهده می‌گیرند. جالب این‌جاست خیلی از افراد هستند که سرپرستی گربه‌های کور را بر عهده می‌گیرند یا سگ‌های دست و پا شکسته را به خانه خود می‌برند و تا آخر عمر از آنها مراقبت می‌کنند. در کنار اینها مواردی هم بوده که حیوانات اصیل به سرپرستی

گزارشی از جانوران درحال انقراض و دلایل انقراض آنها در ایران

# کسی شیر ایرانی راندیده؟



و گیاهی را تهدید می‌کند. اما از این هم که بگذریم، می‌رسیم به ناآگاهی مردم محلی و مسئولان که گاهی گونه‌های کمیابی مثل پلنگ را به دلیل احتمال خطر برای دام و خانواده‌شان شکار می‌کنند. به فهرست دلایل دل شکستگی جانوران از ایران نگاهی بیندازیم، متوجه می‌شویم که همه آنها را مستقیم یا غیرمستقیم انسان‌ها ایجاد کرده‌اند و شکار با این‌که به‌عنوان دومین عامل و پس از تخریب زیستگاه‌ها در این زمینه نقش دارد، بازترین نشانه‌نقش انسان در از بین رفتن گونه‌های جانوری است.



گرفته می‌شدند برای این که فروخته شوند. انجمن هم متوجه این موضوع شده و با آنها برخورد کرده است. به غیر از این اقدامات که از فعالیت‌های اصلی و اجزایی انجمن حمایت از حیوانات است؛ آنها فعالیت‌های فرهنگی هم انجام می‌دهند. از جمله این که به صورت مرتب و هر هفته تیم‌های آموزشی خود را به مهدهای کودک می‌فرستند تا به کودکان آموزش دهند که چگونه با حیوانات رفتار کنند و به آنها صدمه نزنند. این یک حرکت تاثیر گذار است چرا که باعث فرهنگ‌سازی می‌شود و کودکان یاد می‌گیرند حیوانات با حقوقی دارند و مثل ما انسان‌ها، زنده‌اند. خیلی‌ها برایشان پوست خرگوش‌ها به دست می‌آورد، ناچیز بود. همین موضوع است که معتقدم، باید زنده‌ای‌ها در فرود در مقابل این جرایم انجام می‌دهد را بالا ببریم اما باید در این میان دستگاه‌های مربوط، متأسفانه در دادگاه خرس‌های سمیرم، حتی وکیل سازمان محیط‌زیست نیز وجود نداشت. در چنین وضعی، ما چطور می‌توانیم از چنین سازمان انتظار داشته باشیم که جلوی چنین رفتارهایی را بگیرد. در این زمینه از مسئولیت و وظایف سازمان‌های دولتی که بگذریم، سوال

خبرهایی که در رابطه با حیوانات و رفتار مردم با آنها، منتشر می‌شود در برخی موارد واقعا ناراحت‌کننده است. این رفتارهای خشن و وحشتناک با حیوانات محدود به مناطقه‌ای خاص نیست و در سطح کشور وسعت دارد و مطابق اخبار منتشر شده، تنها به شکار حیوانات محدود نمی‌شود.

به‌ویژه در جوامع روستایی مسابرحی خرافات درباره حیواناتی خاص، وجود دارد که اوضاع را بدتر می‌کند. این وضع، فضایی را به وجود می‌آورد که موزارت این که از فرهنگ‌سازی حرف می‌زنیم، عملاتوانیم کاری مثبت‌از پیش ببریم. در تمام این سال‌ها تنها اتفاقی که افتاده این است که قبلا این خبرها کمتر به گوش ما می‌رسید اما امروز همان رفتارها وجود دارد و هیچ تغییری نکرده است. تنها مردم بیشتر با این اتفاق‌ها آشنا می‌شوند و از طریق رسانه‌های مختلف به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی در جریان اوضاع قرار می‌گیرند. سازمان‌های دولتی و حفاظت از محیط‌زیست در این زمینه خیلی کم‌کاری می‌کنند.

به‌عنوان مثال در جریان کشتار خرس‌های سمیرم که ۲سال پیش اتفاق افتاد، وکیل انجمن به صورت قانونی وارد عمل شد و از آن جایی که شکارچی در قلمبی که گرفته شده، قابل پیگیری نبود؛ از او شکایت کردیم. پس از اثبات اتهام، او فقط به ۱۸ ماه حبس تعزیری محکوم شد، حبسی که جایگزین آن پول بود و مقدارش در مقابل پولی که از فروش پوست خرگوش‌ها به دست می‌آورد، ناچیز بود. همین موضوع است که معتقدم، باید زنده‌ای‌ها در فرود در مقابل این جرایم انجام می‌دهد را بالا ببریم اما باید در این میان دستگاه‌های مربوط،

متأسفانه در دادگاه خرس‌های سمیرم، حتی وکیل سازمان محیط‌زیست نیز وجود نداشت. در چنین وضعی، ما چطور می‌توانیم از چنین سازمان انتظار داشته باشیم که جلوی چنین رفتارهایی را بگیرد. در این زمینه از مسئولیت و وظایف سازمان‌های دولتی که بگذریم، سوال

یاری برسانیم.

نگاه

## به حامیان حقوق حیوانات، کمک کنیم

**| رضا جوالجی |**عضو انجمن حمایت از حیوانات |

این است خود مردم چگونه رفتار می‌کنند؟ ما باید از خودمان هم انتقاد کنیم. مادر واقع فرهنگی حیوان ستیز داریم. به‌عنوان مثال در جریان دادگاه خرس‌ها، وکیل انجمن که به سمیرم رفته بود، تعریف می‌کرد در همه خانه‌های آن‌جا به ازای هر نفر یک تفنگ شکاری وجود دارد که از نان شب هم برایشان واجب‌تر است. یا به‌طور مثال تا حالا دقت کردید در فصل مهاجرت پرندهگان که از سبیری به نقاط مختلف کشورمان می‌آیند، چگونه با آنها رفتار می‌کنیم؟ و درحالی‌که آنها میهمان ما هستند و بعد از چند ماه دوباره می‌خواهند به کشور خود برگردند، شکارچیان طوری آنها را شکار می‌کنند که بعضی از گونه‌های این پرندهگان، دیگر به ایران نمی‌آیند. نماینده سازمان محیط‌زیست استان مازندران در یکی از جلسات تعریف می‌کرد ما توریبری از شکارچی‌ها

را جمع کردیم. آنها هم به فرمانداری اعتراض کردند و فرمانداری به ما هشدار داد که این قاتله‌نزدیک است به یک شورش تبدیل شود. در آخر محیط‌زیست مجبور شده است تورهایشان را پس بدهد! اما اگر خود مردم در بازار از خرید این پرندهگان استقبال نکنند یا با شکارچی‌ها برخورد کنند، آنها هم تورهایشان را با این وسعت و شهامت پهن نمی‌کنند.

دردهای حیوانات در کشور ما می‌پایان است. همان‌طور که گفتیم همه آنها چه حیوانات وحشی و رو به انقراض چه حیوانات شهری و اهلی، از هیچ خطری در امان نیستند. ما آدم‌های این شهر، هیچ کاری برای زندگی مطلوب‌تر آنها انجام نمی‌دهیم. خیلی از ما حق حیات را از آنها سلب می‌کنیم. این شهر جای امنی برای آنها نیست و تلاشی در جهت این فرهنگ‌سازی انجام ندادیم. چقدر در رادیو و تلویزیون از احترام به حیوانات می‌شنویم؟ یا در کدام کتاب درسی، حقوق حیوانات را به کودکان آموزش می‌دهیم؟ اگر خودمان برای حیوانات کاری نمی‌کنیم، باید به انسان‌ها و گروه‌هایی که در این زمینه کاری می‌کنند یاری برسانیم.

ذره بین

گزارشی درباره محیط‌بانان

## در جدال مرگ و طبیعت

و نظارت بر پارک‌های ملی) در ۱۲ ماه اخیر جان خود را در چارچوب مسئولیت‌های خود در سراسر جهان از دست داده‌اند.

این سازمان بر مبنای ارقامی که فدراسیون بین‌المللی محیط‌بانان، منتشر کرده اعلام کرد که از این تعداد، ۲۹تن به دست شکارچیان کشته شده‌اند. این آمار در حالی است که در سال ۲۰۱۳ نیز حدود ۱۰۲ محیط‌بان جان خود را در چارچوب مسئولیت‌های خود از دست داده‌اند که در میان آنان ۶۹ محیط‌بان به دست شکارچیان و سه‌نظامیان مسلح جان خود را از دست داده‌اند. اما این آمار زمانی بسیار نگران‌کننده می‌شود که در آن حدود ۶۰درصد از همه محیط‌بانان که کشته‌شدگان محیط‌بانانی در سال‌های اخیر در هند، تایلند، کنیا و جمهوری دموکراتیک کنگو، به‌حدی بوده که با اعتراضات شدید مواجه شده است و البته ذکر این نکته خالی از لطف نیست که این مناطق از جمله مناطق اصلی زندگی قیل‌ها، کرگدن‌ها، چوب‌های سانتانل و دیگر منابع طبیعی پر ارزش بوده است. همچنین براساس آمار این اتحادیه، تنها در جمهوری دموکراتیک کنگو و در پارک ملی و پروتگا حدود ۱۴۰ محیط‌بان در ۱۵ سال گذشته کشته شده‌اند. این آمار درندک و تکان‌دهنده درحالی‌که توسط این اتحادیه ارایه شده است که بسیاری آن را آماری دقیق نمی‌دانند و بر این باورند که بسیاری از محیط‌بانان و مسایر افراد در جدال با شکارچیان یا به دلایل دیگر کشته می‌شوند اما در آمارهای رسمی نامی از آنها نیامده است.

**ادامه در صفحه ۱۱**



**فروغ فکری**

روزنامه‌نگار

شاید به‌راحتی بتوان شغل‌شان را در زمره مشاغل سخت و زیان‌آور به حساب آورد. زمانی که برای حفاظت از زیست حیوانی و گیاهی نه‌گرم‌ما می‌شناسند، نه سرما، نه روز و نه شب، دشمنان حیات آنها اما نه مواد شیمیایی، نه کارخانه‌های ذوب فلز و نه هوای آلوده است. بلکه سختی شغل آنان در جدال با شکارچیانی است که به جان زیست حیوانی و گیاهی چنگ می‌زنند و به این ترتیب نه‌تنها جان حیوانات، بلکه جان محیط‌بانان را نیز می‌سنانند. محیط‌بانان اما حامیان طبیعتی هستند که هست و باید بماند و برای این مایاتی نیز جانشان را می‌دهند و باین وجود اما شغل‌شان همچنان در زمره مشاغل سخت و زیان‌آور قرار ندارد. در این میان اما تعداد محیط‌بانان کشته‌شده نه‌تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان، به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های دوستداران محیط‌زیست و همچنین سازمان حفاظت از محیط‌زیست بدل شده است. این آمار در تمامی نقاط جهان نگران‌کننده‌ای را به‌دنبال آورده و عاملی شده تا سازمان‌های متولی برای افزایش تعداد و ایمنی کار محیط‌بانان چاره‌اندیشی کنند.

**آسیابی بر خطر**

براساس آخرین آمار اعلامی اتحادیه بین‌المللی محافظت از طبیعت (یوای‌سی‌ان) که در مرادماه امسال وطی بیانیه‌ای در مقر آن در گلانده سوئیس و براساس آمار تاییدی از ۳۵ کشور منتشر شده است، حدود ۵۶ محیط‌بان (کارشناس محافظت

و نظارت بر پارک‌های ملی) در ۱۲ ماه اخیر جان خود را در چارچوب مسئولیت‌های خود در سراسر جهان از دست داده‌اند.

بنابر این جای تعجب نیست اگر دشت‌های ایران خالی از گله‌های آهو و گور ایرانی و یوزپلنگ شود و جوجه‌گذاری و زادآوری پرندهگان مهاجر و بعضاً بومی کشورمان در دریاچه‌ها و تالاب‌های چمن‌بلائی به آرزویی محال تبدیل شود. در چنین شرایطی که زیستگاه‌ها هم‌تبا با ساخت جاده‌ها و تکه‌تکه شده و ویلاسازی و توسعه شهرها و روستاها و اراضی کشاورزی تا بلندترین ارتفاعات کشور و تا پشت مرزهای پارک‌های ملی و گاه حتی داخل پارک‌های ملی پیش می‌رود و در شرایطی که حتی دستگاه متولی نیز برنامه‌ای

ادامه از صفحه ۹

## حیات وحش و زیستگاه‌های ایران در قهقرا

عملی برای حفاظت از زیستگاه و گونه ندارد و نمی‌خواهد داشته باشد، باید وضع حیات‌وحش کشورمان تا این حد رو به قهقرا باشد. سوء مدیریت، تخریب زیستگاه و شکار و صید بی‌رویه چمن‌بلائی بر سراسر زیستگاه‌ها و حیات‌وحش کشورمان آورده که اگر دیر بنجیم شاید دیگر حتی در پارک‌های ملی‌مان هم تا چندسال دیگر نتوانیم جنبنده‌ای جز انسان ببینیم و متأسفانه انقراض با همه تلخی‌های که دارد، واقعیتی است که سایه شوم آن بیش از پیش بر سر حیات‌وحش کشورمان احساس می‌شود.